روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

همشهری

یکشنبه ۲ دی ۱۴۰۳ ■ سال سی‌وسوم ■ شماره ۹۲۸۶

جهش تولید با مشارکت مردم

■ حضرت امیر المؤمنین علی(ع): احترام پدرت را نگه دار تا فرزندت هم احترام تو را نگه دارد.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۳ ■ غروب آفتاب: ۱۶:۵۵
■ اذان مغرب: ۱۷:۱۶ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۸
■ اذان صبح فردا: ۵:۴۱ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷:۱۱

■ پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰
■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروز نوین
■ تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
■ تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سیدکمال قریشی، شماره ۱۴
■ کدپستی ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۲۳۰۰۰، نمابر: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

حافظ

دلا منال ز بیداد و جور یار که یار
تو را نصیب همین کرد و این از آن دادست

صفحه آخر

صفحه‌آرا: علیرضا بهرامی

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ معاونان سردبیر: شهرام فرهنگی، علی عمادی، شاهین امین، حامد فوقانی
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر پناهپور

سیاسی و دیپلماتیک:
■ مدیر: حسین ارجلو
شهرنگار:
■ مدیر: پروانه بهرام‌نژاد
■ دبیر: مریم باقرپور
اقتصاد:
■ مدیر: حسین لطفی
■ دبیر: مریم موسی‌پور
تماشاگر:
■ مدیر: امیرمحمد یعقوب‌پور
■ دبیر: لیلی خرسند

ایرانشهر:
■ دبیر: زهرا عباسی
تندرستی:
■ مدیر: عیسی محمدی
■ دبیر: مریم سرخوش
سرنخ:
■ مدیر: جواد عزیزی
■ دبیر: محمد جعفری
دانستنیها:
■ مدیر: ساسان شادمان
■ دبیر: زهرا خلجی
سرزمین من:
■ مدیر: محمد باریکانی

جامعه:
■ دبیر: فهیمه طباطبایی
گزارش:
■ مدیر: مسعود میر
■ دبیر: فاطمه عسگری‌نیا
۲۴ (سینما و تلویزیون):
■ مدیر: سعید مروتی
■ دبیر: علیرضا محمودی
صفحه آخر:
■ دبیر: جواد نصرتی
طرح و گرافیک:
■ دبیر: محمدعلی حلیمی

کوچه‌گرد

تهران در قاب ۱۲ دروازه؛ داستان حصارهای فراموش‌شده

لیلا باقری

اگر امروز صبح از میدان انقلاب رد شده باشید، شاید تصور اینکه دقیقا روی مرز شمالی تهران قدیم ایستاده‌اید، برایتان عجیب باشد. خیابان انقلاب امروزی، همان جایی بود که حصار تهران به پایان می‌رسید و از آنجا به بعد بیابان‌ها و باغ‌های اطراف شهر شروع می‌شدند. اما بیایید چند قرن به عقب برگردیم، به زمانی که تهران نه یک کلانشهر شلوغ، بلکه شهری کوچک و محصور با ۱۲ دروازه بود؛ دروازه‌هایی که هر کدام داستانی در دل خود دارند.

اما چه شد که این شهر کوچک با ۱۲ دروازه به چنین کلانشهری تبدیل شد؟ ماجرا به زمان ناصرالدین شاه بازمی‌گردد؛ زمانی که تهران دیگر نمی‌توانست در حصار طهماسبی باقی بماند. جمعیت زیادشده بود و کوچه‌های تنگ و شلوغ، کفاف رفت‌وآمد مردم را نمی‌داد. شاه دستور داد مهندس موسیو بُهلِر و گروهی از معماران ایرانی و فرانسوی نقشه‌ای جدید برای شهر تهیه کنند؛ نقشه‌ای که تهران را چندین برابر بزرگ‌تر می‌کرد.

این پروژه در مراسمی باشکوه در حدود یک قرن‌ونیم پیش آغاز شد. ناصرالدین شاه در حضور رجال، درباریان، بازرگانان و سفرای کشورهای خارجی کلنگ نقره‌ای خودش را به زمین کوبید و همان لحظه کندن خندق‌های جدید و ساخت حصار ناصری، یعنی محدوده جدید شهربه جای حصار طهماسبی شروع شد.

براساس نقشه جدید، تهران قدیم از ۴ جهت جغرافیایی چنین مرزبندی شد:

شمال: خیابان انقلاب فعلی از پیچ شمیران تا کمی بعد از چهارراه کالج.

جنوب: خیابان شوش از میدان راه‌آهن تا میدان شوش.

شرق: خیابان شهباز (۱۷شهریور امروزی)، از میدان شهدا تا کمی پایین‌تر از میدان خراسان.

غرب: خیابان کارگر از میدان حر تا حوالی میدان راه‌آهن.

در این محدوده، ۱۲ دروازه ورودی قرار داشت که نام‌هایشان هنوز هم در حافظه شهر باقی مانده است: دروازه‌های شمیران، خراسان، دولاب، دوشان‌تپه، باغ‌شاه، قزوین، گمرک، دولت، یوسف‌آباد، حضرت عبدالعظیم(ع)، دروازه غار و خانی‌آباد. هر کدام از این دروازه‌ها با کاشیکاری‌های زیبا و نقوش خاص ساخته شدند، تا هم عملکرد دفاعی داشته باشند و هم شکوه تهران را به رخ بکشند. اما امروز از این دروازه‌ها چیزی جز خاطره‌ای در نام خیابان‌ها باقی نمانده است، مانند نام ایستگاه مترو یا برخی محله‌ها و خیابان‌ها. آیا وقتی از خیابان‌های شمیران، خراسان یا قزوین عبور می‌کنید به این فکر کرده‌اید که چرا این نام‌ها هنوز زنده‌اند؟ راز در همین دروازه‌هاست.

نکته جالب همین است؛ دروازه‌های تهران با وجود نابودی فیزیکی، همچنان زنده‌اند؛ نه در آجرها و کاشی‌ها، بلکه در نام‌هایی که روی نقشه شهر حک شده‌اند و روزانه بارها شنیده می‌شوند. هر نام، یادآور بخشی از تاریخ شهری است که زمانی کوچک و محصور بود، اما امروز در میان دود و شلوغی، داستان‌هایش را برای ما زمزمه می‌کند.

با اسکن این کیوآرکد پادکست مربوط به یادداشت را بشنوید.

عکس خانه

سنگی با خاطره‌های محلی

برخی مجسمه‌ها، سنگ‌تراشه‌ها یا آثار حجمی موجود در میدان های شهر تهران، تنها زیبایی بصری خلق نمی‌کنند؛ گاهی آنها خاطره‌هایی سفید و سیاه از همان محله را در دل دارند که اگر لب بگشایند، می‌توانند کتاب‌ها بنویسند.

سنگ‌تراشه میدان تجریش یکی از همین آثار است؛ چهار قطعه سنگ عظیم که در جریان سیل غم‌انگیز سال ۱۳۶۶ تهران، از کوه جدا شد و وسط میدان تجریش آرام گرفت. در سال ۱۳۸۱ به همت شهرداری وقت تهران، این سنگ‌ها به ضلع شمالی میدان منتقل شد و بعد از چند ماه حکاکی، با طرحی چشمگیر، از آن رونمایی شد.

فاطمه پاره تن من است

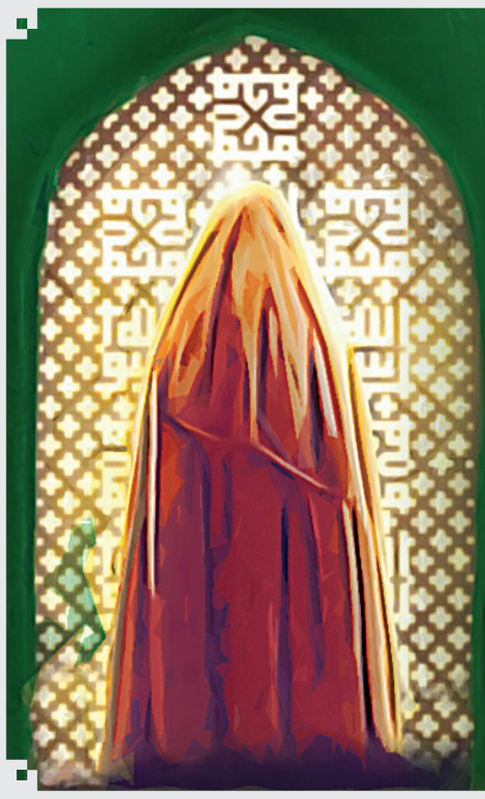

«فاطمه، فاطمه است» این گویاترین عبارتی است که می‌توان برای توصیف یک فرا قهرمان زن به کار برد؛ در عین حال مبهم است؛ چرا که فاطمه بودن یک خاصیت منحصر به فرد است. اما وقتی این خاصیت شناسانده شود، روح تمام زنان و مادران رنگی دیگر می‌گیرد. رنگ انسانیت، حق جویی، مهر و همه خوبی‌هایی که می‌توان در وجود اشرف مخلوقات الهی یافت.

■■■

اکنون یک دختر، ملاک ارزش‌های پدر و وارث همه مفاخر خانواده می‌شود و ادامه سلسله تیره و تباری بزرگ، سلسله‌ای که از آدم آغاز می‌شود و بر همه راهبران آزادی و بیداری تاریخ انسان گذر می‌کند و به ابراهیم بزرگ می‌رسد و موسی و عیسی را به‌خود می‌پیوندد و به محمد می‌رسد و آخرین حلقه این «زنجیر عدل الهی» زنجیر راستین حقیقت «فاطمه» است.

فاطمه وارث همه مفاخر خاندانش، وارث اشرافیت نوینی که نه از خاک و خون و پول که پدیده وحی است؛ آفریده ایمان و جهاد و انقلاب و اندیشه و انسانیت و... بافت زیبایی از همه ارزش‌های متعالی روح. محمد، نه به عبدالمطلب و عبدالمناف، قریش و عرب که به تاریخ بشریت پیوند خورده و وارث ابراهیم است و نوح و موسی و عیسی و فاطمه تنها وارث او....

■■■

خانه فاطمه و خانه محمد کنار هم است. فاطمه تنها کسی است که با همسرش علی در مسجد پیامبر، با او هم خانه‌اند؛ این دو خانه را یک خلوت ۲متری از هم جدا می‌کند و ۲ پنجره روبه‌روی هم، خانه محمد و فاطمه را به هم باز می‌کند. هر صبح پدر در بچه را می‌گشاید و به دختر کوچکش سلام می‌دهد؛ هرگاه به سفر می‌رود، در خانه فاطمه را می‌زند و از او خداحافظی می‌کند. فاطمه آخرین کسی است که با او وداع می‌کند و هر گاه از سفر بازمی‌گردد، فاطمه نخستین کسی است که به سراغش می‌رود، در خانه فاطمه را می‌زند و حال او را می‌پرسد.

■■■

الله از خشنودیت خشنود می‌شود و از خشمت به خشم می‌آید. خشنودی فاطمه خشنودی من است، خشم او خشم من، هر که دخترم فاطمه را دوست بدارد مرا دوست دارد و هر که فاطمه را خشنود سازد مرا خشنود ساخته است و هر که فاطمه را خشمگین کند مرا خشمگین کرده است. فاطمه پاره‌ای از تن من است؛ هر که او را بیازارد مرا آزرده است و هر که مرا بیازارد خدا را آزرده است...

بخشی از کتاب «فاطمه، فاطمه است» اثر دکتر علی شریعتی

چناری در شیب تند

این محله...

سیدسروش طباطبایی‌پور

– آقا... مستقیم، سر پل؟
– بفرما بالا.... ولی تجریش نمی‌رم ها!
– بله... می‌خوام برم پابوس امامزاده صالح(ع)
– بفرما بالا....

این گفت‌وگوها بین راننده‌های تاکسی و مسافران خیابان ولیعصر آن روزهای تهران قدیم برقرار بود. آخر در آن روزگار میدان تجریش کنونی معروف به سرپل بود و به میدان قدس الآن، میدان تجریش می‌گفتند؛ روستایی ییلاقی بود که با گسترش تهران جزو یکی از محله‌های پرطرفدار پایتخت شد.

تاریخ زمین تند!

برخی می‌گویند طغرل‌بیگ سلجوقی حدود هزار سال پیش از تبریز به تهران سفر کرد و وقتی برای اولین‌بار پایش به کوهپایه‌های البرز باز شد، این مکان خوش‌آب و هوا، چشم و دلش را گرفت و نخستین خانه را اینجا در تجریش کنونی به‌پا کرد و از آن روزگار تجریش رونق گرفت. اینجا در آن روزها نام دیگری داشت: «طجرشت» که معرب تیگرشت است و تیگر، به‌معنای زمین تند و شیب‌دار و آرام آرام این کلمه به تجریش تغییر کرد.

امامزاده و چنارش

تا حرف از تجریش به میان می‌آید تهرانی‌های قدیم ابتدا یاد امامزاده صالح(ع) می‌افتند؛ نیکمردی که یکی از فرزندان امام موسی کاظم(ع) بود و در همین مکان به شهادت رسید و بعد از ساخت بنای قدیمی و چهارگوش حرمش، به مکانی امن برای عاشقان اهل‌بیت(ع) بدل شد. چنار امامزاده هم برای تجریشی‌ها بسیار خاطره‌انگیز بود و جای خالی‌اش، این روزها دل قدیمی‌ها را می‌آزارد. می‌گویند این چنار آن‌قدر نسبت به اهالی بخشنده بوده که علاوه بر سایه، وقتی دلش هم خالی و پوک شد، کفاشی را به درون خودش راه داد و تا سال‌ها در دل چنار کفاش مهربان کفش زائران را تعمیر می‌کرد. از بازار پررونق تجریش هم نمی‌توان به این راحتی‌ها گذشت؛ بازاری مسقف با بافتی سنتی که این روزها مراکز خرید مدرن هم را در خود جای داده. این بازار درواقع ۲ محله قدیمی سرپل و میدان تجریش را به هم پیوند می‌زند و یک ورودی به امامزاده و یک ورودی به تکیه بازار هم دارد.

تجریش امروزی

در دوره قاجار به‌دلیل گرمی هوای تهران به تجریش توجهی ویژه شد و بناها و باغ‌هایی مثل باغ فردوس و کاخ صاحبقرانیه در اینجا بنا شد. در دوره پهلوی هم به‌خصوص در محله سعدآباد کاخ‌های باشکوهی ساخته شد که حالا گردشگران می‌توانند با قدم‌زدن در این مکان‌ها تاریخ را ورق بزنند. قنات‌های پرآبی هم در آن روزگار اهالی محل را سیراب می‌کرده که برخی از آنها هنوز زنده‌اند؛ مثل قناتی که از حیاط امامزاده عبور می‌کند. البته علاوه بر آثار تاریخی، ساختمان‌ها و پاساژهای مدرن امروزی این محله از تهران را بسیار پررونق کرده. بیمارستان، درمانگاه، سینما و تفرجگاه‌های کوهپایه تجریش هم از دیگر مکان‌های این محله قدیمی است. کوهنوردان هم علاقه‌ای خاص به تجریش دارند؛ برای رفتن به برخی کوهپایه‌های البرز مرکزی و صعود به قله آنها باید از میدان قدس و تجریش بگذرند تا بتوانند از این بام باشکوه تهران را ببینند.

عکس روز | پاییز امامزاده

آستان امامزاده علی ابن جعفر (ع) یکی از نوادگان و همراهان امام موسی کاظم (ع) در محله سر آسیاب کن، زیارتگاه قدیمی مردم این منطقه است که این روزها در پاییز، حال و هوای متفاوتی به خود گرفته. ■ عکس ها: آژانس عکس تهران.

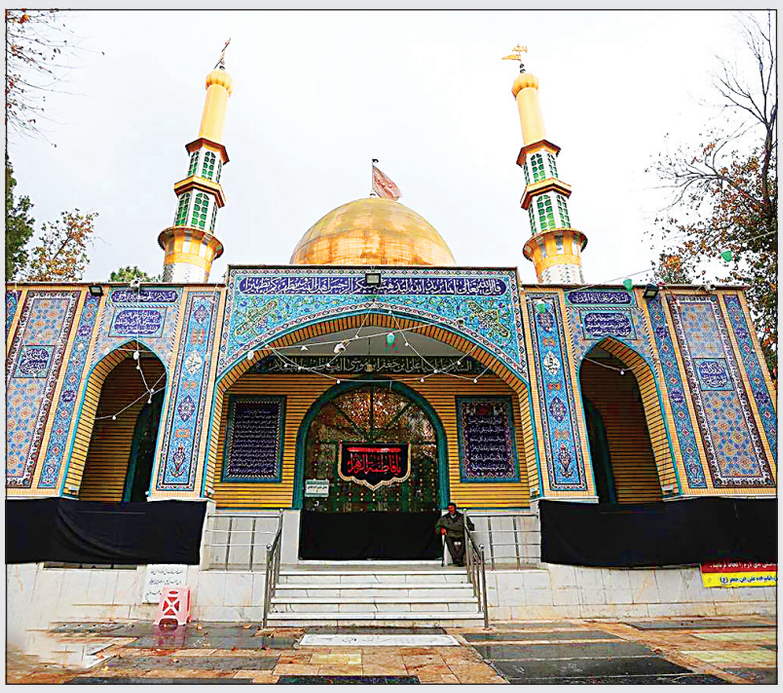

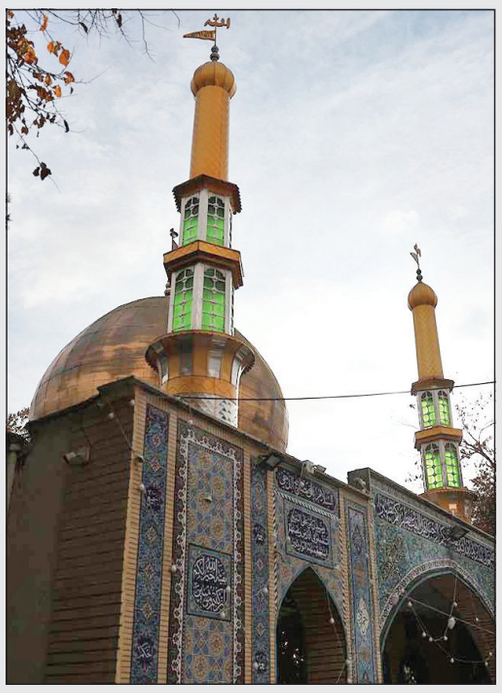

تهرانگرام

... مسجدی برای سالمندان

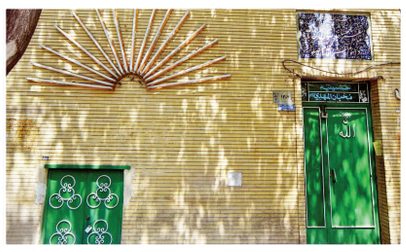

مسجد کوکب‌الحاجیه یا دارالاسلام یکی از ۵مسجد محله امیریه است. این مسجد که گوشه خانه یکی از اهالی قدیمی محله فرهنگ جا گرفته، ماجرایی جالب و خواندنی دارد. بانی این مسجد ۴۷متری حاجیه کوکب‌خانم از اهالی محله قدیمی خیابان فرهنگ بود. چون قدیم‌ها ورودی بیشتر مساجد پله داشت، کوکب‌خانم برای راحتی بانوان سالخورده تصمیم گرفت گوشه حیاط خانه ۱۵۰۰متری‌اش یک مسجد بسازد تا خانم‌های سالخورده محله و کسانی که پادرد و کمردرد دارند به‌راحتی وارد فضای مسجد شوند. این مسجد ابتدا فقط ویژه بانوان بود تا اینکه بعدها به مرور زمان با کشیدن پرده‌ای فضای نمازخانه به ۲قسمت زنانه و مردانه تقسیم شد و مردان محله هم اجازه پیدا کردند در نماز جماعت این مسجد شرکت کنند. بعد از مدتی کوکب خانم تصمیم به فروش ملکش می‌گیرد، اما یک شرط در سند قید می‌کند که این بخش باید به مسجد تبدیل شود. خریدار خانه هم به قولش عمل می‌کند.

تهران مصور

گراند سینمای تهران

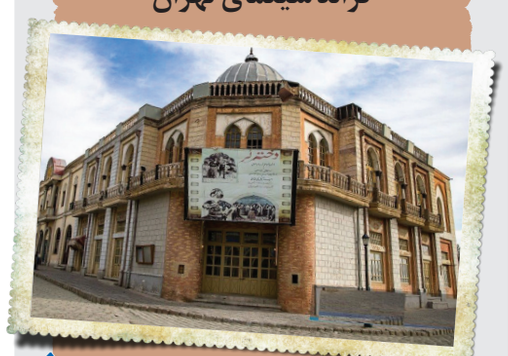

اولین سینمای رسمی تهران سال ۱۲۹۹ خورشیدی توسط علی وکیلی، از بازرگانان معروف آن زمان در سالن نمایش «گراند هتل» واقع در خیابان لاله‌زار افتتاح شد. وکیلی سالن نمایش گراند هتل را ماهی ۴۰تومان اجاره کرده بود. در آن زمان قیمت بلیت ورودی در ۳درجه یک، ۲ و ۳قرانی بود. در قسمت ۳قرانی که به قول امروزی‌ها لژ سینما محسوب می‌شد، حدود ۱۰۰صندلی و در درجات پایین‌تر ۴۰۰صندلی قرار داشت.

قیمت بلیت ورودی در ۳درجه یک، ۲ و ۳قرانی بود

تهران‌نامه

آبخوری قنات فرمانفرما در میدان حسن آباد تهران

ازدواج قنات‌ها

قصه قنات‌ها شنیدنی و گاه عجیب است. قنات‌ها به‌عنوان عجیب‌ترین سازه‌های آبی جهان و شاهکار معماری ایرانی رابطه مستقیمی با حفظ حیات مردم داشتند، آن‌قدر که آن را مهر زنان می‌کردند. در بیشتر مواقع قنات‌ها وقف می‌شدند. ازدواج قنات آیینی است برای روزهایی که قنات‌ها کم‌آب می‌شدند. در ایام خشکسالی مردمان شهرهایی که قنات داشتند همچون تهران که بیش از ۳۰۰قنات را در خود جای داده بود، عروسی برای قنات کم‌آب برمی‌گزیدند. در باور گذشتگان قنات‌ها نر و ماده بودند و زمانی که آب قناتی کم می‌شد، برای احیای دوباره آن مراسم عروسی قنات را برگزار می‌کردند و حتی برای اینکه قناتی خشک نشود گوسفندی نذر می‌کردند. این جشن بیشتر اواخر اسفند و اوایل بهار با حضور ریش‌سفیدان روستا برگزار می‌شد.